

پرسش ۵۲۱:

چگونه انسان از نتیجه امتحان اولش باخبر شود؟

السؤال / ۵۲۱: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

سيدي ومولاي يمانى آل محمد، أسأل الله لكم السداد والتوفيق، حضرتكم ذكرتم في كتاب الجواب المنير عبر الأثير بأن الإنسان الآن في الامتحان الثاني وهو امتحان الحياة الدنيا، الامتحان الأول كان في عالم الذر، كيف يعرف الإنسان أنه نجح بالامتحان الأول؟ هل الذي نجح بالامتحان الأول سينجح بالامتحان الثاني؟ أم ماذا مولاي يمانى آل محمد؟ أشكرك وأشكر وسع صدرك لنا.

سؤال / ۵۲۱: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

آقا و مولایم یمانی آل محمد، از خداوند برای شما پشتیبانی و توفیق می خواهم، شما در پاسخهای روشنگرانه از راه اینترنت ذکر کردید که انسان در حال حاضر در امتحان دوم است و آن امتحان زندگی دنیاست، امتحان اول در عالم ذر بوده است، چگونه انسان بفهمد که در امتحان اول پیروز شده است؟ آیا فردی که در امتحان اول پیروز شده در امتحان دوم پیروز می شود؟ مولایم یمانی آل محمد چگونه است؟ از شما متشکرم و به خاطر وسعت سینه شما برای ما متشکرم.

وسؤالى الثانى: ما قولك عن مثلث برمودا، وما السر فيه؟ حفظكم الله من كل سوء يا مولاي، وأرجو منك يا سيدي بالدعاء لي فأنا امرأة مسكينة وحقيرة وملينة بالذنوب.

استودعكم الله سيدي.

سؤال دوم این است: در مورد مثلث برمودا چه می گوئید و راز آن چیست؟ مولايم خداوند شما را از هر بدی محافظت کند، آقايم از شما می خواهيم که براييم دعا کنید، من خانم فقير و حقير و پر از گناهان هستم. آقايم، خدا نگهدار شما.

فرستنده: نوره سويفی - کانادا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

أختي الفاضلة .. إن الله تعالى لا يعزب عن علمه شيء في السموات والأرض، فهو يعلم من ينجح في الامتحان الأول من خلقه ويعلم من سيفشل منهم، وكذلك يعلم أنه من نجح في الامتحان الأول سينجح في الامتحان الثاني وأن الذي فشل في الامتحان الأول سيفشل في الثاني. وأن هذا الامتحان لإقامة الحجة على الناس أكثر ... ورغم ذلك فإن الكافرين سيطلبون في الآخرة أن يرجعهم الله ويمتحنهم مرة ثالثة لكي يعملوا صالحاً، والله تعالى يرد عليهم بأنهم لو ردوا لعادوا إلى كفرهم وعصيانهم.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

خواهر با فضيلتم... از علم خداوند چیزی در آسمانها و زمین پنهان نیست، و او آفریده هایش که در امتحان اول پیروز شدند را می داند و می داند کدامیک از آنان شکست می خورد، و هم چنین می داند فردی که در امتحان اول پیروز شده، در امتحان

دوم پیروز می‌شود، و فردی که در امتحان اول شکست خورده، در دومی شکست می‌خورد، و این امتحان برای اقامه بیشتر حجت بر مردم است... و با همه این کافرین در آخرت می‌خواهند که خداوند آنان را بازگرداند و برای بار سوم آنان را امتحان کند، تا کار شایسته انجام دهند، و خداوند متعال به آنان پاسخ می‌دهد: اگر باز می‌گشتند، به کفر و سرپیچی خود باز می‌گردند.

قال تعالی: (وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذَّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ) [401].

خداوند متعال می‌فرماید: (و ای کاش هنگامی که بر آتش عرضه می‌شوند، می‌دیدید که می‌گویند: کاش بازگردانده می‌شدیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌شدیم. بلکه آن‌چه را پیش از این نهان می‌داشتند، برای آنان آشکار شده است. و اگر هم بازگردانده شوند قطعاً به آن‌چه از آن منع شده بودند برمی‌گردند و آنان دروغگویند) [402].

وقال تعالی: (حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ) [403].

و خداوند متعال می‌فرماید: (تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد، می‌گوید: پروردگارا، مرا بازگردانید، شاید من در آن‌چه وانهادهام کار نیکی انجام دهم. نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد) [404].

و عن أبي جعفر (ع)، قال: (لو علم الناس كيف ابتداء الخلق ما اختلف اثنان، إن الله (عزوجل) قبل أن يخلق الخلق قال: كن ماء عذباً أخلق منك جنتي وأهل طاعتي، وكن ملحاً أجاجاً أخلق منك ناري وأهل معصيتي، ثم أمرهما فامتزجا، فمن ذلك صار يلد المؤمن الكافر والكافر المؤمن، ثم أخذ طيناً من أديم الأرض فعركه عركاً شديداً فإذا هم كالذر يدبون، فقال لأصحاب اليمين: إلى الجنة بسلام، وقال لأصحاب الشمال: إلى النار ولا أبالي، ثم أمر ناراً فأسعرت، فقال لأصحاب الشمال: ادخلوها، فهابوها، فقال لأصحاب اليمين: ادخلوها، فدخلوها، فقال: كوني برداً وسلاماً، فكانت برداً وسلاماً، فقال أصحاب الشمال: يا رب، أقلنا، فقال: قد أقلتكم فادخلوها، فذهبوا فهابوها، فثم ثبتت الطاعة والمعصية فلا يستطيع هؤلاء أن يكونوا من هؤلاء، ولا هؤلاء من هؤلاء) [405].

و أبي جعفر (ع) می فرماید: (اگر مردم می دانستند آفرینش چگونه آغاز شده است حتی دو نفر هم با یکدیگر اختلاف نداشتند، خداوند قبل از اینکه آفریده‌ها را بیافریند فرمود: آب شیرین باش تا بهشت و اهل اطاعت را بیافرینم، شور باش تا آتش و اهل معصیت را بیافرینم، سپس دستور داد و با یکدیگر ممزوج شدند، به این خاطر مومن کافر می‌زاید و کافر مومن می‌زاید، سپس گلی از روی زمین گرفت و آن را به شدت با هم مخلوط کرد، ناگهان آنان مانند ذره‌ای شدند که به آرامی شروع به حرکت کردند، به اصحاب یمین فرمود: با سلام به سمت بهشت روید، و به اصحاب شمال فرمود: به سمت آتش بروید و من ایابی ندارم، سپس دستور داد آتشی روشن کنند و آن خروشان شد، به اصحاب شمال فرمود: وارد آن شوید، از آن ترسیدند، و به اصحاب یمین فرمود: وارد آن شوید، وارد آن شدند و فرمود: سرد و به سلامت باش، و آتش سرد و به سلامت شد، اصحاب شمال گفتند: پروردگارا، از ما درگذر، فرمود: درگذشتم، وارد آتش شوید، رفتند ولی از آن ترسیدند، از همین جا بود که اطاعت و معصیت ثابت شد، نه آنان توانستند که از آنان شوند و آنان نیز نتوانستند از آنان شوند) [406].

وأما بالنسبة إلى سؤالك عن مثلث برمودا فالسيد أحمد الحسن لم يقل شيئاً بخصوصه الآن.

وفقك الله لكل خير، وأسألك الدعاء.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (ممكن الله له في الأرض)

الشيخ ناظم العقيلي - محرم
الحرام / ١٤٣١ هـ

اما در مورد مثلث برمودا سيد احمد الحسن (ع) در مورد آن الان چيزی نفرموده است.

خداوند شما را برای هر خیرى توفيق دهد، و از شما مسئلت دعا دارم.

هیئت علمی - أنصار امام مهدي (ممكن الله له في الأرض)

شيخ ناظم عقيلي
- محرم الحرام / ١٤٣١ هـ



[401] - الأنعام: 27 - 28.

[402] - انعام: 27 - 28.

[403] - المؤمنون: 99 - 100.

[404] - مؤمنون: 99 - 100.

[405] - الكافي: ج 2 ص 6 - 7.

[406] - كافي: ج 2 ص 6 - 7.